مروری مستند بر ادعاهای نامه جدید «مهدی کروبی» درباره تغییرات اصل ولایت‌فقیه در بازنگری قانون اساسی

فرار از تاریخ!

■ امین فرج‌اللهی*

«تلاش جناح راست برای تدوین قانون اساسی به نفع آیت‌الله خامنه‌ای»؛ این، روح نامه اخیر مهدی کروبی به مجلس خبرگان است. آنچه پیش رو دارید، بررسی شبهات تاریخی او درباره تدوین اصل مربوط به ولایت‌فقیه در بازنگری قانون اساسی و تحلیل تاریخی این مسائل است.

نامه آقای کروبی یک مقدمه تاریخی و یک نتیجه سیاسی دارد. حرف اصلی قسمت تاریخی نامه، این است که چهره‌های جریان راست حاضر در شورای بازنگری قانون اساسی، پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری، اصول مربوط به ولایت‌فقیه را «به نفع او» تدوین کرده‌اند، تا توانسته‌اند بر تمرکز قدرت و اختیاراتش افزوده و از پاسخگویی‌اش کاسته‌اند.

آقای کروبی می‌نویسد: «متاسفانه امام در خلال بازنگری رحلت کردند. شب‌هنگام جلسه‌ای در بیت امام به محوریت مرحوم آقای هاشمی برگزار شد که کل بحث آن جلسه درباره شورای رهبری بود. در آن جلسه هرگز سخن از انتخاب یک فرد به میان نیامد. اسامی متعددی از سوی افراد برای عضویت در شورای رهبری مطرح شد و مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت اما فردای آن روز در جلسه فوق‌العاده خبرگان در ۱۴ خرداد ۶۸ مرحوم هاشمی برخلاف بحث‌های شب گذشته‌شان به نقل خاطره‌ای از امام پرداختند و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر موقت انتخاب گردید».

این جملات به گونه‌ای نوشته شده تا به مخاطب اینگونه القا کند که انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۴ خرداد، پشت پرده‌ای دارد، وگرنه چرا در حالی که زعمای قوم، شب قبلش به رهبری شورایی رسیده‌اند، چند ساعت بعد به رهبری فردی آیت‌الله خامنه‌ای رای داده‌اند؟ این یکی از تکراری‌ترین شبهات و سوالات چندسال اخیر درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای است.

مرحوم رفسنجانی در مصاحبه‌ای در سال ۸۲ این مساله را اینگونه توضیح می‌دهد: «ساعاتی قبل از رحلت امام که قطع امید کرده بودیم، در جماران جمع شدیم که چه کار کنیم، چون پزشکان گفته بودند ممکن است امام امشب رحلت کنند. نظر ما این بود که یک مقام شورایی، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی و آیت‌الله خامنه‌ای اعضای شورای رهبری باشند که آیت‌الله خامنه‌ای قبول نمی‌کردند جزو این ۳ دو نفر مفید است. اصلا تا آن موقع نامزدی نداشتیم. بعد که خبرگان بنا به اصل ۱۱۱ به رحلت امام رسیدگی کنند، در و آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی خود با انتخاب فردی مخالفت کردیم. گفتیم باید شورا باشد. اینکه می‌گویند ما کسی را داشتیم، دروغ است. تمام شدن سریع کار خبرگان و رأی‌آوری ایشان ۵ دلیل داشت؛ اول اینکه اوضاع خطرناک بود و خبرهایی هم از جبهه رسیده بود که نیروهای صدام حرکت کردند و به جلو می‌آیند. همه نگران بودیم که امام شکل وجود رهبری آن دوم همین حرف‌هایی که ۵ نفری از امام شنیده بودیم مطرح کردیم. سوم نقل نظر امام که مجتهد کافی است و احتیاج به مرجع ندارد. چهارم پای تلویزیون گفتند، مؤثر بود. پنجم که مهم‌تر از همه است، شخصیت و صلاحیت‌های خود آیت‌الله خامنه‌ای است که برای خبرگان شناخته شده بود و اصلح‌تر از ایشان کسی را نمی‌شناختند»[1]

با مروری بر گفته‌های اعضای مختلف خبرگان مشخص می‌شود که مرحوم هاشمی، بر خلاف آنچه معروف است حداکثر تلاشش را برای رهبری شورایی کرده است اما موفق نشده و طبق نقل برخی رسانه‌ها، مهندسی‌ای صبح زود بر اثر اصرار برخی خبرگان برای نقل خاطراتی درباره نظر امام به رهبری فقط از چهار نفر از اعضای مذاکره کرده و در نهایت با داد و فریاد آنها و پس از آنکه خبرگان روی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای اجماع کرده‌اند، روغن ریخته را نذر امامزاده کرده و خاطرات را تعریف می‌کند. انتشار فیلم نشست ۱۲ خرداد خبرگان در سال گذشته نیز نشان داد این نقل صحیح است.

■ **یک» جلسه پیش از فوت امام**

آقای کروبی در ادامه نامه می‌نویسد: «به حرمت رحلت امام شورای بازنگری به مدت یک هفته تعطیل شد. وقتی کار شورا پس از یک هفته از سر گرفته شد شاهد تغییر فضا بودیم به نحوی که برخی افراد چنان ولایی شده بودند که باورش سخت بود. در حقیقت رأی‌آوری رهبر موقت هم چیز را به رهبر و برخی افراد رفتار جدیدی در جهت افزودن به قانون اساسی معطوف می‌کردند». او در ادامه با اشاره به اینکه آقای کروبی مدعی شده در جلسه پس از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای جهت‌گیری افراد تغییر کرده، می‌نویسد: «این در حالی است که در جلسه‌ای پیش از فوت امام، تنها یک جلسه ۳ ساعت و نیمه درباره اصول مربوط به رهبری بحث شده و فقط چند مخالف و موافق به طور کلی صحبت کردند. نه درباره جزئیات اصول پیشنهادی بحث و بررسی و ویرایشی انجام شده و نه رای‌گیری شده است. لذا این تعبیر آقای کروبی که «رحلت او و انتخاب رهبر موقت هم چیز را به هم ریخت و برخی افراد نظرات جدیدی در جهت افزودن به قانون اساسی مطرح می‌کردند» عاری از واقعیت است، چرا که اساسا بحث‌های جلسات پس از رحلت امام، حول همان پیشنهاد کمیسیون رهبری بوده است

پیش از فوت امام، تنها یک جلسه ۳ ساعت و نیمه درباره اصول مربوط به رهبری بحث شده و فقط چند مخالف و موافق به طور کلی صحبت کردند. نه درباره جزئیات اصول پیشنهادی بحث و بررسی و ویرایشی انجام شده و نه رای‌گیری شده است. لذا این تعبیر آقای کروبی که «رحلت او و انتخاب رهبر موقت هم چیز را به هم ریخت و برخی افراد نظرات جدیدی در جهت افزودن به قانون اساسی مطرح می‌کردند» عاری از واقعیت است، چرا که اساسا بحث‌های جلسات پس از رحلت امام، حول همان پیشنهاد کمیسیون رهبری بوده است

آیت‌الله موسوی‌اردبیلی ضمن دفاع محکم از حق انتقاد کرده و می‌گوید: «از آن طرف مخالفان آن انتقاد کرده و می‌گویند ما از آن طرف بگوییم انحلال مجلس را نمی‌توانید بکنید!... انحلال مجلس، خلاف شأن است اما تعیین مدیر رادیو و تلویزیون خلاف شأن نیست؟ انحلال مجلس را بعضی‌ها می‌گویند اصلا این از شئون مجلس کسر می‌شود. یک وقت بحث مجلس این است که آقا نگوییم انحلال مجلس، این به شأن رهبر نمی‌آید و رهبر کوچک می‌شود. پس چه کار می‌توانید بکنید؟»

رهبر مرجع تقلید عام باشد، با رای خبرگان به مدت ۱۰ سال به رهبری انتخاب می‌گردد».

هـ- در اصل ۱۱۰ که وظایف و اختیارات رهبری را احصا کرده، آمده بود: «منحل کردن مجلس شورای اسلامی پس از موافقت اکثریت مجمع تشخیص مصلحت، در صورتی که این مجمع رجوع به همه‌پرسی را لازم بداند، رهبر پس از انجام همه‌پرسی، مجلس را منحل می‌کند».

این جمله، «تنها» جمله درباره بحث و بررسی اصول مربوط به رهبری است که «پیش از فوت امام» تشکیل شده است. جلسه بعدی نه آنطور که آقای کروبی ادعا کرد «یک هفته بعد» بلکه «۳ روز پس از رحلت امام»، یعنی شهریورماه ۱۷ خردادماه تشکیل شده است. شور اول شورای بازنگری درباره اصول مربوط به بحث رهبری در جلسات هجدهم و نوزدهم مورخ ۱۷ و ۱۹ مرداد به اتمام می‌رسد.

شور دوم هم در جلسات سوم تا سی و سوم در روزهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ تیرماه انجام می‌شود.

با توجه به اینکه آقای کروبی مدعی شده در جلسه پس از رهبری اصول ۱۱۰ خدادماه افراد تغییر کرده، می‌توان به مرور جلسه ۱۱ خرداد و جلسات بعدی ضروری است.

در جلسه روز ۱۱ خردادماه آیت‌الله مومن- مخبر کمیسیون- طی سخنانی تفصیلی اصول پیشنهادی را مطرح و تبیین می‌کند.

در این جلسه آیت‌الله امینی و اسدالله بادامچی‌انی و هاشمی‌کاشانی در مخالفت و مهدی کروبی و نخجقلی حبیبی در مخالفت و هادی خامنه‌ای نیز به عنوان موافق مشروط صحبت می‌کنند.

کروبی سخنانش را اینگونه شروع می‌کند: «طبیعی است که چارچوب مصوبه را قبول دارم و رأی هم می‌دهیم اما به یادداشت‌هایی که برگزار شده است ۴ کمیسیون مسؤولیت بحث و بررسی و تدوین اصول جدید را به عهده داشتند. مصوبات کمیسیون‌ها در جلسات اصلی شورای بازنگری مطرح می‌شد و پس از بحث و بررسی مجددا به کمیسیون بازمی‌گشت و پس از تدوین و ویرایش مجددا به جلسه شورا می‌آمد. پس از بحث و بررسی در شور دوم و بعضا در شور سوم، اصول تدوین شده به رای گذاشته می‌شد. اخبار هر جلسه نیز فردای آن روز در مطبوعات منتشر می‌شد.

مهم‌ترین چهره‌های جناح راست حاضر در شورای بازنگری حضرات آیات و حجج اسلام یزدی، عمیدزنجانی، محمدی‌گیلانی، جنتی، مشکینی، امینی و هاشمی و مهم‌ترین چهره‌های جناح چپ میرحسین موسوی، عبدالله‌نوری، موسوی‌خوئینی‌ها، مهدی کروبی، توسلی، بنی‌اردلان، نخجقلی حبیبی و هادی خامنه‌ای بودند.

درست است که ترکیب شورای بازنگری را می‌توان بر اساس چپ و راست تقسیم‌بندی کرد اما حقیقت آن است که به معنای آن نیست که در همه مسائل و موارد، همه افراد یک جناح، نظر واحدی داشته‌اند. با مروری بر مشروح مذاکرات شورای بازنگری، در موارد مختلف به کرات دیده می‌شود برخی افراد از جناح راست با هم هم‌نظر و برخی افراد یک جناح با هم مخالف هستند.

نکته مهم دیگر که باید مدنظر قرار گیرد، مواضع هاشمی‌رفسنجانی است که آن زمان از مهم‌ترین افراد جناح راست و گردانندگان شورای بازنگری است.

روزهای ابتدایی خردادماه، پس از جمع‌بندی اصول مربوط به «تمرکز ریاست قوه مجریه»، «تمرکز مدیریت صداوسیما» و «راه‌های بازنگری قانون اساسی»، نوبت به مطرح شدن گزارش «کمیسیون شماره یک مربوط به رهبری و خبرگان در کمیسیون رهبری و مجمع تشخیص» می‌رسد. بنجشنبه ۱۱ خردادماه شورای بازنگری در هفدهمین جلسه خود، بحث درباره اصول مربوط به رهبری را آغاز می‌کند.

طرح پیشنهادی کمیسیون برای اصول ۱۱۱-۱۰۷ که ماحصل ۱۵ جلسه کمیسیون است توسط مخبر کمیسیون -آیت‌الله مومن- قرائت می‌شود. مهم‌ترین نکات طرح پیشنهادی که تا پایان بازنگری، موافقت‌ها و مخالفت‌ها حول آنها شکل می‌گیرد به شرح زیر است:

الف- در اصل ۱۰۷ به‌رغم آنکه بنابر نظر امام اجتهاد به عنوان شرط رهبری، کافی است، با ذکر تعبیر «دارای مقبولیت عامه» به عنوان یکی از مرجحات رهبری، عملا «مرجعیت» را اولویت بخشیده‌اند. یعنی مجتهدی که مرجع باشد، نسبت به مجتهدی که مرجع نیست، اولی به رهبری است.

ب- با توجه به این نکته، در پایان این اصل مساله توقیت -زمانمند بودن رهبری- مطرح شده و آمده است «هرگاه رهبر از عهده انجام وظایف قانونی خود به طور دائم برنیاید یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم و یا فاقد بعضی از شرایط مذکور در اصل یکصد و هفتم باشد یا معلوم شود که از همان ابتدا شرایط لازم را نداشته است، از رهبری برکنار می‌شود و خبرگان رهبری موظف است در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام کند».

ج- در اصل ۱۰۸ «نظارت بر حسن انجام وظایف رهبری» توسط خبرگان مطرح شده و مساله جدیدتری که در انتهای این اصل آمده این است که «تشخیص صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان به عهده فقهای شورای نگهبان است».

د- تعیین نماینده توسط رهبری در نهادها و ارگان‌هایی که لازم باشد.

هـ – در اصل ۱۱۰ که وظایف و اختیارات رهبری را احصا کرده، آمده بود: «منحل کردن مجلس شورای اسلامی پس از موافقت اکثریت مجمع تشخیص مصلحت، در صورتی که این مجمع رجوع به همه‌پرسی را لازم بداند، رهبر پس از انجام همه‌پرسی، مجلس را منحل می‌کند».

این جمله، «تنها» جمله درباره بحث و بررسی اصول مربوط به رهبری است که «پیش از فوت امام» تشکیل شده است. جلسه بعدی نه آنطور که آقای کروبی ادعا کرد «یک هفته بعد» بلکه «۳ روز پس از رحلت امام»، یعنی شهریورماه ۱۷ خردادماه تشکیل شده است. شور اول شورای بازنگری درباره اصول مربوط به بحث رهبری در جلسات هجدهم و نوزدهم مورخ ۱۷ و ۱۹ مرداد به اتمام می‌رسد.

شور دوم هم در جلسات سوم تا سی و سوم در روزهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ تیرماه انجام می‌شود.

با توجه به اینکه آقای کروبی مدعی شده در جلسه پس از رهبری اصول ۱۱۰ به دنبال احیا کردن امکان انتخاب مجلس توسط این مقام بودند، لذا هماهنگی‌های لازم را صورت داده‌اند تا پیشنهاد انحلال مجلس رأی نیاورد که از این پیشنهاد عقب‌نشینی شد. از مرحوم آیت‌الله خلخالی که هم‌قومی ما بود و رفاقت و دوستی دیرینه‌ای داشتیم شنیدم که ایشان در مقابل پرسش وی که چرا این پیشنهاد در شورای بازنگری رد شد گفته بودند وقتی مطمئن شدیم این پیشنهاد زمینه‌ای برای رأی ندارد از طرح آن منصرف شدیم، البته لازم به یادآوری است که مرحوم خرعلی برخلاف ما خواستار رد چنین اختیاری برای رهبری بودند. خوشبختانه انحلال مجلس در زمره اختیارات رهبری احیا نشد و در نهایت این اصل با مجلس سوم و ششم رسماً منحل می‌شدند».

همین طور که گفته شد حق انحلال مجلس، جزو پیشنهادات ابتدایی کمیسیون است که ۱۱ خردادماه به شورای بازنگری ارائه شده بود.

آیت‌الله مومن- مخبر کمیسیون- در جلسه ۱۱ خرداد در تشریح این اصل می‌گفته بود «در بند چهارم حق انحلال مجلس را به رهبر دادیم که آن هم از آن سیاست‌های اساسی است که ما اختیارات را بر ولی‌فقیه نمی‌دهیم، بلکه او اختیارات را دارد و ما اگر در نظام جمهوری اسلامی کاری داریم انجام می‌دهیم، مجلس قانونگذاری می‌کند، دستگاه اجرایی کارهای اجرایی را انجام می‌دهد، دستگاه قضایی به احکام قضایی اسلامی می‌پردازد؛ ملاک مشروعیت آنها همان ولایت‌فقیه است. یعنی ما اینگونه با قضیه برخورد نکردیم که شبهه داریم».

آیت‌الله مومن- مخبر کمیسیون- در پایان این جلسه ضمن دفاع از حق انحلال، از اینکه برخی گفتند «خوب است که ذکر نشود، اگر رهبر مصلحت بداند اقدام می‌کند» انتقاد کرده و می‌گوید در این صورت اگر رهبر بخواهد مجلس را منحل کند، این اقدام او چون در قانون نیامده، خلاف قانون تلقی می‌شود «فلذا اگر ما بیائیم نباشد و اگر شورا نظرش این باشد که این حق را نداشته باشد، حتما باید ذکر شود و ما نظرمان این نیست که رهبر هر وقت دلش خواست اقدام به انحلال کند، بلکه باید در تعبیر هم در کمیسیون بود که «در موقع اضطرار و ضرورت» صحبت هم شد که کلمه اضطرار آورده بشود».

بیان زنجانی در جلسه بعدی- مورخ ۱۸ خرداد- در مخالفت با حق انحلال مجلس با اشاره به اصل قانون اساسی که کشور در هیچ زمان بلاتکلیف نباید بدون مجلس باشد، پیشنهاد می‌کند «قبل از ۳ ماه رهبری بگوید مردم آماده باشید در ۲ ماه آینده من می‌خواهم مجلس را منحل کنم»، از حالا که نمایندگان هستند انتخابات‌تان را انجام بدهید. بعد از ۲ ماه آن ۲۷۰ نفر را بیاورم جای اینها و اینها را از مجلس بیرون بکنیم. یک چنین وضعیتی، چیز بسیار بی‌ربطی است».

در حالی که شورای بازنگری مشغول بررسی اصول مربوط به تمرکز قوه‌قضائیه و مجربه است، ۱۷۷ تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله مشکینی، رئیس شورا خواستار کنار گذاشتن «حق انحلال مجلس توسط رهبر» از دستورکار شورا می‌شوند. خبر نگارش این نامه ۲۱ خردادماه در حالی که رئیس مجلس، هاشمی‌رفسنجانی در سفر شوروی به سر می‌برد و اداره جلسات به عهده مهدی کروبی بود، توسط علی صالح‌آبادی از نمایندگان جناح چپ در مجلس اعلام می‌شود.

روز ۱۰ تیرماه، شور دوم شورای بازنگری برای بررسی اصول مربوط به رهبری شروع می‌شود. هاشمی‌رفسنجانی به عنوان نایب رئیس، از نامه آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به آیت‌الله مشکینی برای کنار گذاشتن بررسی حق انحلال مجلس توسط رهبر خبر می‌دهد. پیشنهاد جدید کمیسیون، انحلال مجلس پس از موافقت اکثریت مجمع تشخیص و انحلال پس از رجوع به همه‌پرسی در صورت تشخیص لزوم آن توسط مجمع بود اما این پیشنهاد در دوباره رأی‌گیری شد. به ایشان گفتم بارها در مجلس شورای اسلامی با آن تعدادی رأی می‌گیریم و اینجا با تعداد محدود اعضا (۲۵ نفر) چه دیدگاه رأی نمی‌گیریم و اینجا رفع شبهه شود. او موضوع را به شوخی برگزار کرد و از من خواست به صندلی‌ام برگردم».

آقای کروبی درباره این قضیه هم مانند شاخه تاریخ را جوری نقل کرده که بتواند نتیجه دلخواهش را بگیرد. او می‌گوید «بر بازنگری جمعیه مهمی در ارتباط با مقام رهبری اتخاذ شد» و این تصمیم مهم را ۱۰ سال بودن رهبری معرفی می‌کند. او همچنین مدعی است مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به خاطر نظر برخی مدرسین حوزه قصد کرده محدودیت زمانی رهبری را لغو کند «اما ما با لغو مصوبه پیشین مخالف بودیم و گفتیم دربراه این موضوع قبلا بحث شده و تصمیم گرفته شده است اما اینطور گفته حال آای می‌گیریم که این محدودیت را از حذف کنیم. لذا وقتی مرحوم هاشمی لغو مصوبه پیشین را به رأی گذاشتند و سپس با شمارشی سطحی و سریع معلوم شد که لغو محدودیت ۱۰ سال رهبری رأی آورده است من به اعتراض پیش ایشان رفتم و از وی خواستم دوباره رأی‌گیری کند. به ایشان گفتم بارها در مجلس شورای اسلامی با آن تعداد وقتی در رأی‌گیری شفاهی (قیام و قعود) تشکیک می‌شد، دوباره رأی می‌گیریم و اینجا با تعداد محدود اعضا رأی نمی‌گیریم. ایشان شوخی اسلامی و غیرآن امور حساسیت و اعتراض قرار گرفته است، شایسته است که موضوع بازشده از دستور کار شورای بازنگری حذف شود، تا موجبی برای اختلاف‌نظر میان برادران در این حو صفا و صمیمیت به وجود نیاید».

با توجه به سیر تاریخی بیان شده، مشخص می‌شود ادعای آقای کروبی درباره اینکه «موضوع انحلال مجلس توسط رهبر، مهم‌ترین مصوبه بحث و بررسی در جلسات پس از رحلت امام - ۱۷ خرداد» و «لغو ۱۰ سال محدودیت» در نظام جمهوری اسلامی کاری نادرست و بی‌اساس است.

ب- توقیت رهبری

آقای کروبی درباره ۱۰ سال بودن رهبری می‌نویسد: «در بازنگری، تصمیم مهمی در ارتباط با مقام رهبری اتخاذ شد، بدین نحو که هیات مسؤولیت ماندام‌العمری برای رهبر قائل نبود و مدت زمان ۱۰ سال را برای این مسؤولیت مهم در نظر گرفته بود. روزی مرحوم آقای هاشمی از قول برخی مدرسین حوزه گفتند آنان خواستار لغو محدودیت زمانی هستند. ما با لغو مصوبه پیشین مخالف بودیم و گفتیم دوباره این موضوع قبلا بحث شده و تصمیم گرفته شده است اما اینطور گفته حالا آای می‌گیریم که این محدودیت را از حذف کنیم. لذا وقتی مرحوم هاشمی لغو مصوبه پیشین را به رأی گذاشتند و سپس با شمارشی سطحی و سریع معلوم شد که لغو محدودیت ۱۰ سال رهبری رأی آورده است من به اعتراض پیش ایشان رفتم و از وی خواستم دوباره رأی‌گیری کند. به ایشان گفتم بارها در مجلس شورای اسلامی با آن تعدادی رأی می‌گیریم و اینجا با تعداد محدود اعضا (۲۵ نفر) چه دیدگاه رأی نمی‌گیریم و اینجا رفع شبهه شود. او موضوع را به شوخی برگزار کرد و از من خواست به صندلی‌ام برگردم».

آقای کروبی درباره این قضیه هم مانند شاخه تاریخ را جوری نقل کرده که بتواند نتیجه دلخواهش را بگیرد. او می‌گوید «بر بازنگری جمعیه مهمی در ارتباط با مقام رهبری اتخاذ شد» و این تصمیم مهم را ۱۰ سال بودن رهبری معرفی می‌کند. او همچنین مدعی است مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به خاطر نظر برخی مدرسین حوزه قصد کرده محدودیت زمانی رهبری را لغو کند «اما ما با لغو مصوبه پیشین مخالف بودیم و گفتیم دربراه این موضوع قبلا بحث شده و تصمیم گرفته شده است اما اینطور گفته حال